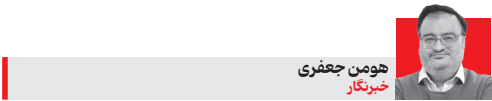


چرا ترامپ قصد دارد جرمی پاول را برکنار کند؟



هومن جعفری خبرنگار

نبرد درون فدرالی این روزهای آمریکا، بین دونالد ترامپ رئیس جمهور تندخو و هیجانی و جرمی پاول رئیس آرام و مرموزفدرال رزرو جریان دارد؛ نبردی که البته مسبوق به سابقه است. دولت ترامپ در دوره ریاست‌جمهوری‌اش به‌ویژه در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ انتقادهای زیادی از جرمی پاول، رئیس فدرال رزرو ابراز کرد. ترامپ نگرانی‌های خود را در مورد سیاست‌های پولی پاول اعلام کرد و معتقد بود این سیاست‌ها به‌ویژه درخصوص افزایش نرخ بهره، باعث آسیب به رشد اقتصادی ایالات متحده می‌شود. پاول برخلاف میل رئیس جمهور نرخ بهره را بالا برد و سیاست‌های انقباضی در پیش گرفت که مورد تأیید کاخ سفید نبود. پاول در تلاش بود تا نرخ بهره را به‌منظور کنترل تورم و بهبود ثبات مالی بالا ببرد. این اقدام به معنای افزایش هزینه‌های وام‌گیری برای مصرف‌کنندگان کالا و کسب‌وکارها بود که به نوبه خود می‌توانست نرخ رشد اقتصادی را کاهش دهد. ترامپ و برخی حامیانش باور داشتند افزایش نرخ بهره می‌تواند به کاهش سرمایه‌گذاری و نوسانات در بازار سهام منجر شود. آنان به تأثیرات منفی این سیاست‌ها بر ثروت خانوار و اعتماد مصرف‌کنندگان اشاره کردند. ترامپ به‌طور کلی از پسالو انتقاد می‌کرد که او و فدرال‌رزرو بیش از حد به سیاست‌های اقتصادی متعارف وابسته شده‌اند و باید دریات بیشتری در زمینه سیاست‌های پولی داشته باشند. ترامپ دوست داشت تا افراد جدیدی در رهبری فدرال‌رزرو قرار گیرند که با دیدگاه‌های اقتصادی او هم‌سوایی بیشتری داشته باشند. به همین دلیل به‌صورت مداوم افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌داد و در صحبت‌هایش به انتقاد از پاول می‌پرداخت. او در برخی مواقع به‌صراحت ابراز می‌کرد از عملکرد پاول ناراضی است و حتی از احتمال برکناری او صحبت به میان می‌آورد. این اقدام به‌عنوان تلاش سیاسی برای تحت‌فشار قرار دادن فدرال‌رزرو و تغییر رویکرد سیاست‌های پولی آن تلقی می‌شد.

این انتقادات و تلاش‌ها واکنش‌های مختلفی را در جامعه مالی و سیاسی موجب شد. برخی اقتصاددانان و تحلیلگران اعلام کردند ترامپ با این کار سعی دارد استقلال فدرال‌رزرو را تضعیف کند، درحالی‌که دیگران بر این باور بودند که او تنها به‌دنبال تأثیرگذاری بر تصمیمات اقتصادی است تا به نفع کمپین انتخاباتی خود عمل کند. نتیجه‌گیری اینکه ترامپ تلاش می‌کند تا با انتقاد از پاول و فدرال‌رزرو به‌نوعی بر سیاست‌های اقتصادی اثرگذار باشد و به‌دنبال ارائه یک نمای کلی مثبت از وضعیت اقتصادی کشور باشد. ترامپ حالا با وجود آنکه از نظر قانونی اجازه برکناری پاول را ندارد اما مشغول به مذاکره با مشاوران حقوقی خود است تا بتواند به‌نوعی از شرایط راحت شود. او منتظر است (WTO) مشاراد که این تنش‌ها می‌توانند به کاهش رشد اقتصادی جهانی و افزایش فشار بر اقتصاد آسیا پی‌بند منجر شوند. کشورهای وابسته به صادرات، مانند ژاپن و کره جنوبی به دلیل کاهش تقاضا برای کالا هایشان، با چالش‌های جدی مواجه شدند.

اقدامات اقتصادی آقای دیوانه

در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، سیاست‌های اقتصادی او همواره به‌عنوان اقدامات بحث‌برانگیزی شناخته شده‌اند. یکی از اولین حرکت‌های او، آغاز جنگ تعرفه‌ها بود که با هدف کاهش کسری تجاری و حمایت از تولید داخلی طراحی شده بود. این سیاست‌ها با افزایش تعرفه‌ها بر واردات، فشار بر صنایع خارجی وارد کرد و به طور موقت به رشد برخی صنایع داخلی کمک کرد. اما این جنگ تجاری هزینه‌هایی برای مصرف‌کنندگان آمریکایی نیز داشت، زیرا قیمت کالا‌های وارداتی افزایش یافت.

درکنار این اقدامات، ترامپ به تغییر ساختار نهادهای نظارتی نیز پرداخت. یکی از بارزترین نمونه‌ها، تلاش برای جایگزینی گری جنسلر، رئیس کمسیون اوراق بهادار و بورس آمریکا، با فردی طرفدار ررمزارها بود که سرانجام هفته پیش رقم خورد و پاول اکتینز بر سر کار آمد. این تصمیم، در راستای حمایت از نوآوری‌های مالی و افزایش پذیرش رمزارزها در ایالات متحده، مورد توجه قرار گرفت. با این حال منتقدان معتقد بودند این تغییرات ممکن است باعث

نرخ بهره و اثرگذاری‌اش روی اقتصاد رمزارزها

باشند و نیازمند مدیریت دقیق و همکاری بین المللی هستند. البته ترامپ با اعلام توقف سه‌ماهه در تعرفه‌ها و عقد قرارداد با کشورهای مختلف، فعلاً روند سقوط بازارها را متوقف کرده است.

تأثیر کاهش نرخ بهره بر بازار سهام آمریکا و رمزارزها

کاهش نرخ بهره یکی از ابزارهای کلیدی برای تحریک رشد اقتصادی است که تأثیرات گسترده‌ای بر بازار سهام دارد. این اقدام باعث کاهش هزینه‌های وام‌گیری برای شرکت‌ها می‌شود که به نوبه خود می‌تواند سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید و توسعه کسب‌وکارها را افزایش دهد. در نتیجه، شرکت‌ها سودآوری بیشتری خواهند داشت و این موضوع می‌تواند قیمت سهام آن‌ها را افزایش دهد. علاوه بر این کاهش نرخ بهره سرمایه‌گذاران را به سمت دارایی‌های پرریسک‌تر مانند سهام سوق می‌دهد، زیرا بازدهی دارایی‌های امن‌تر مانند اوراق‌قرضه کاهش می‌یابد. این تغییر در رفتار سرمایه‌گذاران می‌تواند به رشد شاخص‌های بازار سهام منجر شود. با این حال افزایش نقدینگی و رشد سریع بازار سهام ممکن است خطر ایجاد حباب‌های مالی را نیز به همراه داشته باشد. بازار ارز دیجیتال هم از کاهش یا افزایش نرخ بهره تأثیر می‌پذیرد؛ چراکه سرریز شدن پول و اعتبار به جامعه، قطعاً تمام بازارهای مختلف را در معرض کاهش یا افزایش سرمایه ورودی قرار خواهد داد.

در بازار رمزارزها، کاهش نرخ بهره تأثیرات متفاوتی دارد. از یک‌سو کاهش نرخ بهره باعث کاهش جذابیت دارایی‌های سنتی مانند اوراق‌قرضه می‌شود که این موضوع می‌تواند سسرمایه‌گذاران را به سمت دارایی‌های دیجیتال مانند بیت‌کوین و اتریوم سوق دهد. از سوی دیگر افزایش نقدینگی در بازار می‌تواند به رشد قیمت رمزارزها کمک کند، زیرا سرمایه‌گذاران به دنبال بازدهی بالاتر در این‌ها می‌روند. همچنین کاهش نرخ بهره می‌تواند به افزایش پذیرش عمومی رمزارزها کمک کند، زیرا سسرمایه‌گذاران و شرکت‌ها به‌دنبال جایگزین‌هایی برای دارایی‌های سنتی هستند. با این حال باید توجه داشت که بازار رمزارزها به‌شدت به عوامل دیگری مانند قوانین نظارتی، پذیرش عمومی و نوآوری فناوری وابسته است. تغییرات در سیاست‌های نظارتی، مانند جایگزینی گری جنسلر با پاول اکتینز و لغو ممنوعیت سرمایه‌گذاری بانگ‌ها در ارز دیجیتال می‌تواند تأثیرات قابل‌توجهی بر این بازار داشته باشد.

چرا نرخ بهره برای ترامپ مهم است؟

برای دونالد ترامپ کاهش نرخ بهره نه تنها یک ابزار اقتصادی، بلکه یک استراتژی سیاسی کلیدی محسوب می‌شود. این سیاست می‌تواند به تحقق اهداف اقتصادی او کمک کند و درعین حال، حمایت عمومی و سیاسی بیشتری برای او به ارمغان بیاورد.

پیش از این توضیح دادیم که کاهش نرخ بهره باعث کاهش هزینه‌های وام‌گیری می‌شود که این موضوع می‌تواند سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی مانند ساخت‌وساز

و صنعت را افزایش دهد. ترامپ به طور خاص به این بخش‌ها توجه دارد، زیرا رونق آن‌ها می‌تواند به کاهش نرخ بیکاری و افزایش تولید ناخالص داخلی منجر شود. این دستاوردها برای ترامپ به‌عنوان یک رهبر اقتصادی موفق بسیار ارزشمندند.

او به‌شدت دنبال ایجاد رونق در بازارهای مالی است تا از این دستاوردها به‌عنوان ابزاری برای جلب حمایت سیاسی استفاده می‌کند. کاهش نرخ بهره می‌تواند نقدینگی بیشتری وارد بازار کند و باعث افزایش قیمت سهام شود. این موضوع نه تنها به نفع سرمایه‌گذاران است، بلکه می‌تواند حس اعتماد عمومی به اقتصاد را تقویت کند.

او به‌دنبال تسهیل قوانین مرتبط با رمزارزها و حمایت از نوآوری‌های مالی است. کاهش نرخ بهره می‌تواند به رشد بازار رمزارزها کمک کند، زیرا سرمایه‌گذاران به‌دنبال بازدهی بالاتر در این بازارند.

کاهش نرخ بهره به ترامپ این امکان را می‌دهد که دستاوردهای اقتصادی خود را به‌عنوان بخشی از کمپین‌های سیاسی‌اش برجسته کند. او می‌تواند این سیاست را به‌عنوان ابزاری برای کاهش بدهی‌ها، افزایش اشتغال و تقویت اقتصاد معرفی کند. این موضوع می‌تواند به او کمک کند تا حمایت بیشتری از سوی رأی‌دهندگان و جامعه کسب‌وکارها جلب کند.

چالش‌ها و فرصت‌ها

اگرچه کاهش نرخ بهره می‌تواند به رشد بازارهای مالی و رمزارزها کمک کند، اما چالش‌هایی نیز به‌همراه دارد. افزایش نقدینگی ممکن است به تورم منجر شود و در بلندمدت، ارزش دلار را کاهش دهد. این موضوع می‌تواند تأثیرات منفی بر سرمایه‌گذاران خارجی داشته باشد که به‌دنبال دارایی‌های امن‌ترند. همچنین رشد سریع بازار رمزارزها ممکن است خطرات امنیتی و نظارتی را افزایش دهد. اقدامات اقتصادی و سیاسی ترامپ، ازجمله تلاش‌هایش برای کاهش نرخ بهره و تغییرات در نهادهای نظارتی، باعث ایجاد موجی از مخالفت‌ها در میان سیاستمداران و اقتصاددانان شده است. یکی از برجسته‌ترین مخالفان او، جروم پاول، رئیس فدرال‌رزرو است که با تأکید بر استقلال این نهاد و هشدار درباره پیامدهای تورمی کاهش نرخ بهره، به‌شدت با سیاست‌های ترامپ مخالفت کرده است.

پاول در سخنرانی‌های اخیر خود، بارها تأکید کرده که کاهش نرخ بهره در شرایط فعلی می‌تواند منجر به افزایش تورم و بی‌ثباتی اقتصادی شود. او همچنین به سیاست‌های تعرفه‌ای ترامپ اشاره کرده و هشدار داده که این سیاست‌ها ممکن است رشد اقتصادی را کند کرده و فشارهای تورمی را افزایش دهند. پاول معتقد است استقلال فدرال رزرو برای حفظ ثبات اقتصادی ضروری است و هرگونه دخالت سیاسی در تصمیم‌گیری‌های این نهاد می‌تواند پیامدهای منفی جدی داشته باشد.

در همین حال مخالفان سیاسی ترامپ، ازجمله بسیاری از سیاستمداران و اقتصاددانان، پشت پاول ایستاده‌اند تا از استقلال فدرال رزرو دفاع کنند و مانع از برکناری او شوند. این حمایت‌ها باعث شده است که ترامپ نتواند به‌راحتی پاول را برکنار کند، زیرا طبق قوانین فعلی، رئیس جمهور تنها در صورت وجود دلایل قانونی مشخص، مانند سوءمدیریت یا تخلف، می‌تواند اقدام به برکناری کند. اختلاف‌نظر در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به‌تنهایی نمی‌تواند مبنای قانونی برای این اقدام باشد.

چه خواهد شد؟

سیاست‌های اقتصادی ترامپ، ازجمله کاهش نرخ بهره و تغییرات در نهادهای نظارتی و قوانین بازدارنده، بدون‌شک تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد آمریکا و بازارهای مالی جهانی خواهد داشت. اگرچه این سیاست‌ها می‌توانند در کوتاه‌مدت به رشد اقتصادی و رونق بازارها کمک کنند، اما چالش‌های بلندمدتی مانند افزایش تورم، فشار بر بانک مرکزی، و بی‌ثباتی در بازارها را نیز به همراه دارند. درنهایت این موضوع نشان می‌دهد تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی – چه در سطح ملی و چه در سطح جهانی – نیازمند مدیریت دقیق و همکاری همه‌جانبه هستند. آینده اقتصاد آمریکا، بازارهای مالی و صنعت رمزارزها به‌شدت به سیاست‌هایی وابسته است که در این دوره اتخاذ می‌شوند. پاسخ به این پرسش‌ها که آیا این سیاست‌ها پایدار خواهند بود یا نه، نیازمند بررسی‌های عمیق‌تر و تحلیل‌های دقیق‌تری در سال‌های پیش‌رو است.

تأثیر بر بازار سهام آمریکا و دیگر کشورها

در ایالات متحده، جنگ تعرفه‌ها باعث افزایش هزینه‌های تولید و کاهش سودآوری شرکت‌ها شد. این موضوع به افت شاخص‌های بازار سهام منجر شد. سرمایه‌گذاران به‌دلیل عدم اطمینان از آینده اقتصادی، به سمت دارایی‌های امن‌تر مانند اوراق‌قرضه حرکت کردند. شاخص S&P 500 در Nasdaq در دوره‌ای از این جنگ تعرفه‌ها، افت قابل‌توجهی را تجربه کردند.

بازار سهام ژاپن نیز تحت تأثیر این تنش‌ها قرار گرفت. کاهش تقاضا برای کالا‌های صادراتی ژاپنی و افزایش هزینه‌های واردات، باعث افت شاخص Nikkei (بازار سهام توکیو) شد. سایر کشورها، به‌ویژه اقتصادهای نوظهور نیز با کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و افت ارزش ارزهایشان مواجه شدند. جنگ تعرفه‌ها نه تنها باعث کاهش رشد اقتصادی و افت بازارهای مالی شد، بلکه به افزایش بی‌ثباتی در اقتصاد جهانی منجر شد. این تنش‌ها نشان دادند سیاست‌های تجاری می‌توانند تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد جهانی داشته

چطور بزرگ‌ترین شرکت‌های دنیا بازی هوش مصنوعی را می‌بازند!

آینده هوش مصنوعی و ابهام بزرگ

بنیادین متفاوت، آن‌ها سعی دارند فناوری‌ای کاملاً جدید را در خطوط تولید موجود خود جای دهند.

اپل را در نظر بگیرید. شرکتی که روزی رایانه‌های شخصی، تلفن‌های همراه و پرداخت‌های دیجیتال را دگرگون کرد، اکنون در تلاش است تا به‌روزرسانی هوش مصنوعی سیری را به‌موقع ارائه دهد. آن‌ها داده‌ها، استعداد و منابع لازم را دارند، اما هنوز نتوانسته‌اند هوش مصنوعی را به‌صورت معناداری به اکوسیستم خود ادغام کنند.

مایکروسافت، متا، ایکس و سایر غول‌های فناوری نیز به‌طور مشابه منابع و قدرت خود را به سمت هوش مصنوعی سوق داده‌اند، اما همه آن‌ها به‌طور کم و بیش به همان برنامه رسیده‌اند؛ یک چت‌بات. تمام این موارد به این معنا نیست که این شرکت‌ها در حال تبلی یا نادیده گرفتن کاربردهای نوآورانه‌تر هوش مصنوعی هستند. مایکروسافت به‌طور عمیق هوش مصنوعی را در نرم‌افزارهای کاربردی ادغام کرده، گوگل در حال قرار دادن هوش مصنوعی در جست‌وجو است و شایعاتی درباره توسعه پردازش دستگاه‌های Powered by AI توسط اپل وجود دارد. اما رویکردهای آن‌ها همچنان محتاطانه باقی مانده، طراحی شده‌اند تا به آنچه از قبل وجود دارد بیفزایند نه اینکه چیزی کاملاً جدید بسازند. این‌ها حرکات به‌طور بنیادین دفاعی هستند، سعی در حفظ امپراتوری‌های موجود به‌جای استقبال از ناشناخته‌ها؛ و آن‌ها در حال ارتکاب یک اشتباه بحرانی هستند.

حضور در بازار می‌تواند به اندازه یک مزیت، مانع باشد. در حالی که پیشگامان «دات‌کام» روزگاری به خاطر ریشه‌های رادیکالش شناخته می‌شدند، اکنون دیگر از آن فضای رادیکالی و انقلابی و تحول‌آفرین فاصله گرفته‌اند و خود برنده‌های بزرگ بازاری‌اند. مارک زاکربرگ دیگر آن دانش‌جویی نیست که با لباس هودی اینترنت را با استارت‌آپی خستگی‌ناپذیر مختل کند. او اکنون یک تاجر بزرگ است که یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌های تبلیغاتی جهان را اداره می‌کند. فیس‌بوکی که روزی سریع حرکت می‌کرد و چیزها را خراب می‌کرد، اکنون کند، محتاط و واکنشی شده است. شرکتی که در تلاش است هوش مصنوعی را در مدل کسب‌وکار موجود خود جا دهد به‌جای اینکه چیزی به‌طور رادیکال جدید بسازد. و تاریخ واضح است؛ کندی برای سازگاری، نحوه سقوط غول‌ها است. با هو

هر فرصتی برای تسلط بر اینترنت داشت، اما جست‌وجو را به‌عنوان یک ویژگی ثانویه و نقش مرکزی آن در اقتصاد آنلاین نو پا نادیده گرفت. گوگل جست‌وجو را جدی گرفت و امپراتوری‌ای حول آن بنا کرد.

مایکروسافت رهبر بی‌چون و چرای نرم‌افزار بود، اما گوشی‌های هوشمند را به‌عنوان یک بازار گوشه‌ای نادیده گرفت. تا زمانی که این اشتباه را متوجه شد، اپل و گوگل قبلاً دنیای موبایل را تقسیم کرده بودند و ویندوز فرد مرده به دنیا آمد. آی‌پام، زمانی استاندارد طلا در محاسبات، از ظهور معماری ابری غافل ماند. در حالی که آمازون به آرامی محسوس‌تری وی وب خود را به استخوان‌پندی اینترنت تبدیل کرد، آی‌بی‌ام همچنان بر سخت‌افزار و خدمات شرکتی تمرکز داشت. به عبارت دیگر بر گذشته شرط بست در حالی که آینده از آن عبور کرد. اکنون، بنیان‌گذاران فناوری که روزگاری به‌عنوان قانون‌شکن و مختل‌کننده‌ها الگو بودند، به نهاد تبدیل شده‌اند و آن‌ها همان اشتباهات را مرتکب می‌شوند. هوش مصنوعی تنها یک ویژگی دیگر نیست که به‌ورد، اینستاکرام یا سیری اضافه‌شود. این یک الگوی کاملاً جدید است. چیزی که به مدل‌های کسب‌وکار جدید، رابطه‌های جدید و راه‌های جدید تفکر نیاز دارد.

از جذاب‌ترین و نوآورانه‌ترین کاربردهای هوش مصنوعی از آزمایشگاه‌های تحقیق و توسعه گران‌قیمت بیرون نمی‌آید؛ آن‌ها توسط تیم‌های توسعه‌دهنده کوچک که محصولات را در یک آخر هفته می‌سازند، ساخته شده‌اند. این توسعه‌دهندگان به محصولات موجود هوش مصنوعی اضافه نمی‌کنند؛ آن‌ها محصولات کاملاً جدیدی می‌سازند که هوش مصنوعی در قلب آن‌ها قرار دارد. ما ابزارهایی را می‌بینیم که می‌توانند به‌طور خودکار معامله کنند و سبدهای کرپتوسرا مدیریت کنند، درس‌های تعاملی در هر موضوعی را در عرض چند ثانیه تولید و اپلیکیشن‌های وب کامل را از یک دستوروا احد ایجاد کنند. و به‌طور فزاینده‌ای، ما می‌بینیم که توسعه‌دهندگان نقاط قوت غیر منتظره هوش مصنوعی –بدها پردازی، شوخی و شگفتی – را در آغوش می‌کشند.

یک نمونه بارز، AI Dungeon است، یک بازی ویدئو محور که در آن هوش مصنوعی داستانی در حال پیشرفت را بر اساس درخواست‌های بازیکن روایت می‌کند. این می‌تواند شخصیت‌ها، پیچ‌های داستان و محیط‌ها را در زمان واقعی

تولید کند و با هر تعامل کاربر سازگار شود. این یک مطالعه موردی در مورد آنچه محتوای پویا و کاربرمحور در یک اینترنت اول هوش مصنوعی ممکن است به نظر برسد، است.

دیگر ابزار SceneCraft است، ابزاری که به استادان بازی‌های رومیزی اجازه می‌دهد صحنه‌های فانتزی با روایت سازگار را تنها از چند خط داستان تولید کنند. از طرف بازیکنان بازی‌هایی مانند Dungeons & Dragons استفاده می‌شود، این ابزار هنرهای بصری، طراحی شخصیت و تاریخ‌را در زمان واقعی به هم می‌دوزد تا به بازیکنان کمک کند خود را در جهان‌های سفرشانی ساخته شده غرق کنند. این یک لایه هوش مصنوعی روی یک موتور بازی موجود با مجموعه نرم‌افزاری تولیدی نیست. این یک نوع محصول کاملاً جدید است که از امکانات خلاقانه خود هوش مصنوعی متولد شده است.

این نوع آزمایش شبیه به دوره اولیه فره‌شگاه اپلیکیشن است، که به نوبه خود به‌دوره اوایل اینترنت طنین انداز شد. در هر دو مورد، آنچه به‌عنوان سیلابی از آزمایش‌های عجیب و غریب، موفقیت‌های ویروسی و پروژه‌های شخصی آغاز شد، پایه‌گذار پاتفرم‌های کاملاً جدیدی بود. آنچه به‌عنوان بازی به نظر می‌رسید، در پس زمینه شرعی برای یک تغییر بزرگ بود.

و این نکته است. آزادی برای کاوش ایده‌هایی که نوبی به مقیاس‌بندی، تناسب با نقشه‌راه یا خدمت به یک پایگاه مشتری موجود ندارند، دقیقاً همان چیزی است که فضا را برای این پروژه‌ها فراهم می‌کند تا زمین‌های جدیدی باز کنند. هوش مصنوعی توسط شرکت‌هایی که در گذشته تکر کرده‌اند، به‌دست نمی‌آید. هر تغییر تکنولوژیکی یک کلاس جدید از برندگان را به ارمغان می‌آورد. نقاط عطف قبلی شرکت‌هایی مانند گوگل، آمازون و فیس‌بوک بر ارتقا داده است، در حالی که سایرین مانند یاهو و آی‌بی‌ام در سازگاری با یک چشم‌انداز به سرعت در حال تغییر تلاش کردند. انقلاب گوشی‌های هوشمند اپل و اندروید را به تسلط رساند، در حالی که مایکروسافت، نوکیا و بلک‌بری نتوانستند سازگار شوند. هوش مصنوعی نیز متفاوت نخواهد بود. شرکت‌هایی که واقعاً این عصر را تعریف می‌کنند آنها نخواهند بود که استانداردهای قدیمی هستند بلکه تازه‌واردان خستگی‌ناپذیر و مصممی هستند که محصولاتی بومی هوش مصنوعی می‌سازند که به‌طور بی‌رحمانه‌ای از گذشته دور می‌شوند.